

۵۰۴  
واژه ضروری

# ایلتس

فلش کارت  
۱۳۲ کارت

۵۰۴ واژه ضروری با معادل های دقیق فارسی

بیش از ۱۰۰۰ جمله همراه با ترجمه فارسی  
آموزش لغت از طریق تمرین های متنوع و جذاب

تلفظ کلیه لغات با استفاده از علائم فونتیک

خودآزمایی

تألیف: عبدالله قنبری  
مدرس زبان انگلیسی دانشگاه تهران

132  
Cards

IELTS

FLASH CARDS  
504 Essential Words

# ذباب بوک



# ۵۰۴ واژه ضروری آیلتس فلش کارت ۱۳۲ کارت

۵۰۴ واژه ضروری با معادل های دقیق فارسی  
بیش از ۱۰۰۰ جمله همراه با ترجمه فارسی  
آموزش لغت از طریق تمرین های متنوع و جذاب  
تلفظ کلیه لغات با استفاده از عالم فوتیک  
خودآزمایی

[www.ZabanBook.com](http://www.ZabanBook.com)

زبان بوک

JUNGLE'S

# 504 Essential Words

# IELTS FLASHCARDS 132 Cards

Flashcards with words and definitions,  
pronunciation, sentences,  
synonyms and tests

Abdollah Ghanbari  
TEHRAN UNIVERSITY INSTRUCTOR

## اختصارات انگلیسی

نکته	انگلیسی	فارسی
adj	adjective	صفت
adv	adverb	قدیمی
Am E	American English	انگلیسی آمریکایی
art	article	حرف تعریف
aux v	auxiliary verb	فعل کمکی
Br E	British English	انگلیسی بریتانیایی
conj	conjunction	حرف ربط
def	definition	تعریف
int	interjection	صوت یا عبارت تعجبی
n	noun	اسم
p	past	زمان گذشته
part	participle	وجه وصفی
pl	plural	جمع
pp	past participle	اسم مفعول
pref	prefix	پیشوند
prep	preposition	حرف اضافه
pres	present	(زمان) حال
pron	pronoun	ضمیر
rel	relative	موصل
syn	synonym	متراو
US	United States	ایالات متحده
&	ZabanBook.com	فعل
/	and	و
		یا

## ۵۰۴ واژه ضروری برای آیلتس

504 Essential Words  
For

IELTS



## شامل:

- ✓ ۵۰۴ واژه ضروری همراه با معادلهای دقیق فارسی
- ✓ بیش از ۱۰۰۰ جمله همراه با ترجمه فارسی
- ✓ شکل‌های متراو کلیه لغات
- ✓ آموزش لغت از طریق تمرین‌های متنوع و جذاب
- ✓ آموزش ریشه‌شناسی کلمات
- ✓ تلفظ کلیه لغات با استفاده از علائم بین‌المللی فونتیک
- ✓ خودآزمایی

تألیف: عبدالله قنبری

«مدرس زبان انگلیسی دانشگاه تهران»

③ در قسمت دوم، لغت از طریق تمرین‌های متنوع و جذاب ارائه شده است.

④ قسمت سوم این مجموعه به آموزش ریشه‌شناسی کلمات اختصاص دارد.

⑤ در تدوین این مجموعه از بهترین و معتبرترین منابع انگلیسی استفاده شده است.

⑥ در بخش ضمیمه ۱ در مورد علائم فونتیک به زبان ساده توضیح داده شده و در ضمیمه ۲ فرق کلمات بریتانیایی و آمریکایی ارائه شده است.

شایسته است از حاج آقا سجاد مدیر محترم انتشارات جنگل به خاطر چاپ این مجموعه سپاسگزاری نمایم. از پسر عزیزم مهندس آرش قنبری به خاطر ارائه پیشنهادات سودمند منون هستم. همچنین از خانم سحر خداوردی به خاطر حروفچینی و صفحه‌آرایی این مجموعه کمال تشکر و قدردانی را دارم.

در خاتمه امید است که با این کار، توفيق انجام وظیفه خود را در قبال شیفتگان زبان انگلیسی و دانشجویان راه علم داشته باشم.

با آرزوی موفقیت  
عبدالله قنبری



دیباپوک

www.ZabanBook.com

## LESSON 1



## درس یک

لفت تلفظ1. **block** /blɒk/ *v*

مسدود کردن، [راه، ترافیک، لوله] بستن

☞ *syn.* obstruct, clog, hinderA fallen tree **blocked** the road.

درخت افتاده جاده را مسدود کرد.

2. **comparatively** /kəm'pærətɪvli/ *adv*

نسبتاً، در مقایسه

☞ *syn.* relatively, by comparison; rather, fairlyIt was **comparatively** easy for him to learn baseball because he had been a cricket player.

یاد گرفتن بیسیال برای او نسبتاً آسان بود چون قبلاً یک بازیکن کریکت بود.

3. **curative** /kjʊərətɪv US 'kjʊr-/ *adj*

شفابخش، درمان کننده، درمانی

☞ *syn.* healing, remedialThe **curative** properties of certain plants have been well documented.

دانسته (www.ZabanBook.com)

4. **dictate** /dɪ'teɪte/ *v*

تحمیل خودن، دستور دادن، امر و بهی کردن

b. The main **culprits** were caught.

مجرمین اصلی دستگیر شدند.

8. **deceive** /dɪ'si:v/ *v*

فریب دادن، گول زدن، گمراه کردن، اغفال کردن

☞ *syn.* mislead, delude, betray, tricka. Don't try to **deceive** me - I saw you taking the money!

سعی نکن مرا فریب دهی، دیدم پول را برداشتی!

b. She **deceived** me into thinking she was a police officer.

او مرا اغفال کرده تا گمان کنم که او افسر پلیس است.

9. **fierce** /fɪəs US fɪrs/ *adj*

[حیوان] وحشی، درنده؛ [نگاه، لحن و غیره] خشن، عصبانی، خشمگین، غضب‌آلود؛ [باد] تند، سخت؛ [fiercely] به شدت، شدیداً

☞ *syn.* brutal, aggressive, savage, wilda. A **fierce** dog was running after the child.

یک سگ وحشی دنبال بچه می‌دوید.

b. He took one look at his **fierce** opponent and ran.

او نگاهی به رقیب خشمگین خود انداخت و گریخت.

10. **persuade** /pə'sweɪd US pər-/ *v*

قانع / متقاعد کردن، قبولاندن؛ تشویق کردن،

ترغیب کردن

b. She's in hospital under *observations*.

او در بیمارستان تحت مراقبت است.

c. He made a few childish *observations*.

او چند اظهارنظر بچگانه کرد.

13. **repent** /rɪ'pent/ *v*

پشیمان شدن، افسوس خوردن، توبه کردن؛ احساس ندامت کردن

☞ *syn.* regret, desire to make amends, reproach, be regretfulHe **repented** his sins.

از گناهان خود توبه کرد.

14. **schism** /'sɪzəm, 'skɪzəm/ *n*

شکاف، دوستگی، اختلاف، تفرقه، نفاق

☞ *syn.* split, division, breakA pernicious **schism** developed between the two sisters.

اختلاف شدیدی بین دو خواهر به وجود آمد.

15. **therapy** /'θerəpi/ *n*

درمان، معالجه، مداوا؛ (در ترکیب) - درمانی؛ روان درمانی؛ [in therapy] تحت روان درمانی

☞ *syn.* healing or curing process, cure, treatmentJack was **in therapy** for several years.

جک چندین سال تحت روان درمانی بود.

## PART 1 قسمت یک

### لغات ضروری

### ESSENTIAL WORDS

این قسمت شامل مطالب زیر است:

❖ آموزش لغات ضروری آیلتس

❖ بیش از ۱۰۰۰ جمله همراه با ترجمه فارسی

❖ شکل‌های متراffد کلیه لغات

❖ تلفظ کلیه لغات با استفاده از علائم بین‌المللی فونتیک

❖ خودآزمایی از هر درس

## فهرست مطالب

### صفحه

### عنوان

#### قسمت اول ..... ۶

آموزش ۵۰۴ واژه ضروری، مثال‌های متنوع برای هر واژه با ترجمه فارسی، شکل‌های متراffد کلیه لغات، تلفظ کلیه لغات با استفاده از علائم بین‌المللی فونتیک، خودآزمایی از هر درس

#### قسمت دوم ..... ۱۷۳

لغات ضروری آیلتس از طریق تمرین‌های متنوع و جذاب

#### قسمت سوم ..... ۲۰۵

ریشه‌شناسی کلمات (پسوندها و پیشوندها)، تمرین و خودآزمایی

#### ضمیمه ۱: آموزش علائم فونتیک ..... ۲۴۹

ضمیمه ۲: فرق کلمات بریتانیایی و آمریکایی

#### ..... ۲۵۳

منابع و مأخذ ..... ۲۵۵

#### ..... ۲۶۳

معرفی کتاب

### به نام خدا

### مقدمه

### دانش پژوهان عزیز

سری فلش کارت‌های آیلتس در شش مجموعه‌ی لغات ضروری برای آیلتس، گرامر ضروری برای آیلتس، واژگان آکادمیک آیلتس خواندن برای آیلتس، استیهات رایج در آیلتس، نکات ویژه آیلتس ارائه می‌شود. چون لغت نقش بسیار مهمی در آموزش زبان دارد، لذا برای تقویت لغت و پشتیبانی آموزشی بیشتر، فلش کارت‌های ۵۰۴ واژه ضروری برای آیلتس و ۱۱۰۰ واژه ضروری برای آیلتس ارائه شده است. لازم به ذکر است که این دو مجموعه مجزا از ۵۰۴ واژه و ۱۱۰۰ واژه بارونز می‌باشد و با لغات و طرح و تمرین‌های متفاوت برای آزمون آیلتس طرح‌ریزی شده است.

مجموعه‌ی فلش کارت ۵۰۴ واژه ضروری برای آیلتس شامل موارد زیر می‌باشد:

① در قسمت اول لغات ضروری از طریق جمله آموزش داده شده است.

② بعد از هر درس سوالات خودآزمایی همراه با پاسخ ارائه شده است.

## LESSON 1

## 504 WORDS

 *syn.* impose; command

You can't *dictate* to me where I should go.

شما نمی‌توانید به من تحمیل کنید که کجا باید بروم.

5. **enact** /ɪnækt/ *v*

[قانون] وضع کردن، تصویب کردن

 *syn.* legislate, authorize; decree

Congress *enacted* the legislation during its last session.

کنگره در آخرین جلسه‌اش قانون را تصویب کرد.

6. **crafty** /kra:fти US 'kræf-/ *adj*

حیله‌گر، مکار، حقه‌باز؛ موذی؛ زیرک، زرنگ؛ زیرکانه

 *syn.* tricky, sly, cunning, shrewd, wily

a. He's a *crafty* old devil.

او یک شیطان پیر مکار است.

b. The Indians did not fall for the *crafty* ambush.

سرخپوستان فریب کمین‌گاه زیرکانه را نخوردند.

7. **culprit** /'kʌlpri:t/ *n*

مجرم، مقصّر، خاطی؛ متهم

 *syn.* offender, guilty, wrong-doer

a. Who is the *culprit* who has eaten all the strawberries?

چه کسی متهم به خوردن تمام توت فرنگی‌ها است؟

## LESSON 1

## 504 WORDS

 *syn.* convince; entice, induce

a. I *persuaded* Jim to help his father.

جیم را تشویق کردم به پدرش کمک کند.

b. Helen *persuaded* Jane to go to school, even though she did not want to.

هلن جین را متقاعد کرد که علیرغم میلش به مدرسه برود.

11. **influence** /'ɪnfluəns/ *n, v*

[اسم] تأثیر، نفوذ؛ [ فعل] تحت تأثير قرار دادن؛ اثر کردن / گذاشتن

 *syn.* (n) effect, impact

(v) affect, act on

a. Some people believe that TV has a bad *influence* on children.

بعضی معتقدند که تلویزیون تأثیر بدی روی بچه‌ها دارد.

b. Do stars *influence* human behaviour?

آیا ستارگان رفتار انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهند؟

c. His poetry was *influenced* by Hafez.

شعر او از حافظ متأثراً شده بود.

12. **observation** /ɒbзə'veiʃн US ,a:bзə'n/ *n*

مشاهده، نظر؛ نظارت، مراقبت؛ اظهارنظر

 *syn.* watching, note; remark,

[www.ZabanBook.com](http://www.ZabanBook.com)

a. The police kept the man under observation.

پلیس مرد را زیرنظر گرفت.

## LESSON 1

## 12

## 504 WORDS

## Test Yourself



Circle the correct meaning of each underlined word.

1. Two large men blocked the entrance.

- a. pushed      b. opened  
c. obstructed    d. imposed

2. Congress refused to enact the bill.

- a. dictate      b. entice  
c. reject        d. legislate

3. He is like a fierce tiger.

- a. strong      b. gentle  
c. wild         d. brave

4. Let us not widen the schism by further bickering.

- a. guilty      b. split  
c. effect      d. remark

5. A crafty football fan had got into the game without paying.

- a. tricky      b. polite  
c. brutal      d. respectable

## Answer key:

1. c    2. d    3. c    4. b    5. a

**504 Essential Words  
For IELTS**



**زبان بوک**

[www.ZabanBook.com](http://www.ZabanBook.com)

نقط آزمونها می‌ترک کنند  
مسایقات) شرکت

